

گفتوگوي حقوقي

گفتوگوي حقوقي با سروناز دارابي

لذت جنسي به مثابه حق انساني

لذت جنسي

نکيسا آذري



کارگاه خبر
JOOPEV

پرونده ي لذت جنسي زنان - کارگاه خبر ژوپی آ

مارس ۲۰۱۸ - اسفند ۱۳۹۶

<https://joopea.news>

نام مقاله: گفت‌وگوی حقوقی پیرامون لذت جنسی زنان

لذت جنسی به‌مثابه‌ی حق انسانی در گفت‌وگو با سروناز دارابی

گفت‌وگو از: نکیسا آذری

انتشارات: کارگاه خبر ژوپی‌آ

تاریخ نشر: مارس ۲۰۱۸ - اسفند ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۹۴-۹۲۹۵۵-۰۱-۲



<https://joopea.news>

حق چاپ و بازنشر کل و یا قسمتی از مقاله با ذکر منبع مجاز است.

سروناز دارابی متولد سال ۱۳۶۱ است. او از رشته‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شده است و به مدت هشت سال به عنوان وکیل پایه یک دادگستری مشغول به فعالیت در عرصه‌ی وکالت است. او خود را یک زن مستقل فمینیست می‌داند، به برابری جنسیتی اعتقاد دارد و برای دستیابی به این مهم تلاش می‌کند.

نکیسا آذری: وقتی از لذت جنسی زنان حرف می‌زنیم، به‌صرف این حرف‌زدن بعضی از تابوهای جامعه را شکسته‌ایم. تا همین جا هم با قضاوتی روبه‌رو هستیم که با زبان بایدها و نبایدها از جمله اخلاق، شرع و قانون به ما تذکر می‌دهند که این حق را نداریم. برای نمونه، برای حفظ کیان خانواده یا برای رعایت شئونات اخلاقی جامعه یا کشاندن نوجوانان و جوانان به چیزی که فساد اخلاقی خوانده می‌شود یا انحراف فکر جوانان از مساله‌هایی که به باورشان، اولویت مهم‌تری به حساب می‌آیند. این جمله‌ها را به زبان‌های مختلف می‌توان از تریبون‌های مختلفی شنید که

گاهی کاملن متضاد به‌نظر می‌آیند و در فضای اجتماعی و سیاسی، روبه‌روی هم قرار می‌گیرند. گرانی‌گاه همه‌ی این مخالفت‌ها هم به‌نوعی حق‌دادن یا حق‌ندادن است. در مرحله‌ای شخصی‌تر اگر هرکدام از زنان، در زندگی شخصی‌اش، لذت جنسی



را به‌عنوان خواسته مطرح کند، با شدت بیشتری مورد قضاوت قرار می‌گیرد که آیا حق دارد یا نه؟ این چیزی است که ما در زندگی شخصی‌مان و هم‌چونین فضای اجتماعی اطرافمان می‌بینیم. می‌خواهم همین را از شما بپرسم. رابطه‌ی لذت جنسی برای زنان با «حق» و «حق‌خواهی» چیست؟

سروناز دارابی: فیلسوف سنت توماس آکویناس چهارگونه قانون را متمایز از یکدیگر نام‌گذاری کرده است. قانون ابدی که در واقع خداوند این‌گونه مقدر کرده است و آفریده است، قانون طبیعی که مشارکت عقل در قانون الهی به قصد تبیین آن است، قانون الهی که وحی است و در کتاب‌های مقدس آمده است و قانون بشری که بر اساس عقل وضع می‌شود و هدفش خیر مشترک است.

قانون‌ها در کشورهای سکولار بر مبنای حقوق طبیعی استوار هستند یعنی این‌که حقوقی که با فرض وجودنداشتن خدا هم همچونان چوین محتوایی می‌داشتند. قانون‌ها به قصد حفظ نظام یک‌پارچه‌ی کشورها و ایجاد نظم وضع می‌شوند. درعین حال، به قول بیشتر فیلسوفان از جمله سیسرو و افلاطون، قانون باید با قانون‌های طبیعی منطبق باشد در غیر این صورت ناعادلانه است.

این‌که حق زن بر لذت جنسی از چه منظر قانونی قابل بررسی است، نیازمند این است که مشخص کنیم که منظورمان از حق چیست. اصلن حق زن را بر بهره‌برداری لذت‌جویانه‌ی جنسی از بدن خودش یک حق طبیعی می‌دانیم، یا صرفن مانند یک حق ابدی و الهی به آن نگاه می‌کنیم و در نتیجه، تابع اوامر آن هستیم؟ برای هر کدام از این دو نگاه، باید قانون‌های متناسب با آن تدوین بشوند. متأسفانه در ایران و بیشتر کشورهای جهان سوم و به‌خصوص خاورمیانه، قانون صرفن ابزار حفظ هنجارهای قومی و قبیله‌ای، سنتی و مذهبی است درحالی‌که قانون باید ابزار ایجاد عدالت، چتر حمایت از مظلوم و راه‌برنده‌ی مردم به سمت تغییر پویا و صحیح، باشد.

نکیسا آذری: به جهان سوم و نگاه سنتی آن اشاره کردی. آیا در نهادهای بین‌المللی، از جمله در میثاق‌ها و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی، برای مقابله با این نوع نگاه، حرکتی صورت گرفته است؟

سروناز دارابی: آن‌چه که به عنوان حقوق بشر مورد توافق اغلب کشورها قرار گرفته است، شامل اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به‌طور ذاتی، فطری و به‌صرف انسان بودن از آن بهرمنند می‌شود، اما اعلامیه‌ی حقوق بشر درعین حال که حق انسان بر بدن خود را به رسمیت می‌شناسد، به مبحث لذت جنسی در سایه‌ی ازدواج نگاه می‌کند.

آنچه که به‌عنوان حقوق بشر مورد توافق اغلب کشورها قرار گرفته است، شامل اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به‌طور ذاتی، فطری و به‌صرف انسان بودن از آن به‌رمند می‌شود، اما اعلامیه‌ی حقوق بشر در عین حال که حق انسان بر بدن خود را به رسمیت می‌شناسد، به مبحث لذت جنسی در سایه‌ی ازدواج نگاه می‌کند.

برای نمونه، در ماده‌ی ۱۶ اعلامیه‌ی حقوق بشر، آزادی زناشویی و ازدواج را برای همه‌ی انسان‌ها و بر اساس رضایت دو طرف برای تشکیل خانواده، از حقوق بشر دانسته است اما در مورد لذت جنسی چیزی نمی‌گوید! بی‌شک مساله‌های جنسی، از پیچیده‌ترین مساله‌های انسانی هستند. با این وجود، نگاه قانون به مساله‌های جنسی در اغلب کشورها نگاهی بر پایه‌ی قرارداد

است؛ قراردادی که رابطه‌ی جنسی را ابزار فرزندآوری، ازدیاد نسل و تامین نیروی کار می‌داند. بنابراین، از وارد شدن به جزییات پرهیز می‌کند و صرفن بر حفظ حداقل منزلت انسانی اصرار دارد.

نکیسا آذری: ملاک این ماده برای حداقل منزلت انسانی چیست؟ ازدواج اجباری، بارداری اجباری، تجاوز خانگی و حتا ناقص‌سازی جنسی زنان در جامعه‌هایی شکل می‌گیرند که مدعی هستند که این‌ها را برای حفظ منزلت زن انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، در کلیات، همه می‌توانند از واژه‌های مشترک استفاده کنند.

سروناز دارابی: بله، مساله‌هایی مانند ناقص‌سازی جنسی زنان و دختران، تجاوزهای خانگی در چهارچوب زناشویی، نداشتن حق تصمیم‌گیری برای بارداری و سقط جنین با

۱ ماده‌ی ۱۶ اعلامیه‌ی حقوق بشر: «مردان و زنان بالغ، بدون هیچ‌گونه محدودیتی از نوع نژاد، ملیت یا دین حق دارند که با یکدیگر زناشویی کنند و خانواده‌ای بنیان نهند. همه سزاوار و محق به داشتن حقوقی برابر در زمان عقد زناشویی، در طول زمان زندگی مشترک و هنگام فسخ آن هستند. عقد ازدواج نمی‌بایست صورت بندد مگر تنها با آزادی و رضایت کامل همسران که خواهان ازدواج‌اند. خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به‌وسیله‌ی جامعه و حکومت نگاه‌داری شود».

این اعلامیه‌ها و پیمان‌نامه‌ها متأسفانه حل نشده‌اند. حق انسان بر بدن در خیلی از موارد توسط والدینی نقض می‌شود که دارای حق قانونی بر بدن فرزندانشان هستند. به‌عنوان مثال، ازدواج کودکان زیر هجده سال در ایران با اجازه‌ی ولی قانونی در ماده‌ی ۱۰۴۱ ماده قانون مدنی^۲ مجاز دانسته شده است.

نکیسا آذری: به‌طور خاص، قانون ایران چقدر به لذت جنسی زنان پرداخته است؟

سروناز دارابی: ببینید، مثلن نتیجه‌های طرح ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان ایران نشان داده‌اند که قانون‌ها متأسفانه نتوانسته‌اند حرمت زن را به‌عنوان یک انسان آزاد و آزاده نگاه دارند. ۶۶ درصد از زنان ایرانی خشونت خانگی را تجربه می‌کنند. حال در چوین و انفسا و ولوله‌ای اصلن صحبت از لذت جنسی زنان کمی غیرمعقول به نظر می‌رسد. درحالی‌که به رسمیت شناختن چوین لذتی، مبارزه با ناقص‌سازی جنسی زنان و دختران و ازدواج‌های اجباری را آسان می‌کند، اما هیچ اهمیتی به آن داده نشده است. مساله‌های جنسی خارج از چهارچوب ازدواج جرم‌انگاری شده‌اند و برخورد جزایی با آن‌ها بسیار اتفاق می‌افتد. به‌عنوان مثال، در ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی^۳ بوسیدن (تقبیل) به‌عنوان ابزار ایجاد علقه‌ی جنسی جرم‌انگاری شده است.

بنابراین، باید برطرف کردن نیاز جنسی و چسیدن این لذت را در چهارچوب خانواده جست‌وجو کرد. باین حال، از آن‌جا که در کشور ایران قرار نیست ازدواج ضامن شادی و سلامت روح انسان باشد بلکه قرار است ضامن تشکیل یک خانواده و فرزندآوری باشد، ازدواج یک‌سره قرارداد دیده شده است. با رجوع به ماده‌های ۱۰۴۳^۴، ۱۰۵۹^۵ و

۲ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی: عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

۳ ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی: هرگاه زن و مردی که بین آن‌ها علقه‌ی زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به مجازات شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد.

۴ ماده‌ی ۱۰۴۳ قانون مدنی: نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه‌ی پدر یا جد پدری او است و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد به او شوهر کند و شرایط نکاح و مهری که بین آن‌ها قرار داده شده به دادگاه مدنی خاص مراجعه و به توسط دادگاه مزبور مراتب به پدر یا جد پدری اطلاع داده شود و بعد از ۱۵ روز از تاریخ اطلاع و عدم پاسخ موجه از طرف ولی دادگاه مزبور می‌تواند اجازه‌ی نکاح را صادر نماید.

۵ ماده‌ی ۱۰۵۹ قانون مدنی: نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست.

۱۰۶۷^۶ قانون مدنی پر واضح است که اصلن مساله‌های جنسی بدون هدف فرزندآوری و حفظ بنیان‌های خانواده معنایی ندارند.

با مطالعه‌ی فصل چهارم، پنجم و هفتم قانون مدنی متوجه خواهید شد که ازدواج قراردادی بر پایه‌ی مبادله‌ی پول با خدمات جنسی است؛ مثلن به مهریه مثل سایر درآمدها مالیات تعلق می‌گیرد (ماده‌ی ۱۰۷۸ قانون مدنی^۷). زن می‌تواند تا دریافت کامل مهریه از حق حبس استفاده کند یعنی تا گرفتن مبلغ معامله، مورد معامله را

از آن‌جا که در کشور ایران قرار نیست ازدواج ضامن شادی و سلامت روح انسان باشد بلکه قرار است ضامن تشکیل یک خانواده و فرزندآوری باشد، ازدواج یک‌سره قرارداد دیده شده است.

که رابطه‌ی جنسی است، در اختیار خریدار قرار ندهد (ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی^۸). در صورتی که برای زن مهریه مشخص نشده باشد، مهرالمثل بر مبنای شرایط مالی خانواده‌ی زن تعیین می‌شود (ماده‌ی ۱۰۹۱ قانون مدنی^۹). یعنی در نهایت زن صرفن دهنده و مرد خواهنده است.

نکیسا آذری: یعنی مرد اگر مبلغ مهریه را پرداخته باشد، به‌طور قانونی می‌تواند از زن سکس بخواهد و زن باید با او رابطه‌ی جنسی داشته باشد؟

سروناز دارابی: بله، زن باید پاسخگوی نیازهای جنسی شوهرش باشد و در غیر

۶ ماده‌ی ۱۰۶۷ قانون مدنی: تعیین زن و شوهر به‌نحوی که برای هیچ‌یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت نکاح است.

۷ ماده‌ی ۱۰۷۸ قانون مدنی: هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تمیز نیز باشد می‌توان مهر قرار داد.

۸ ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی: زن می‌تواند تا مهریه‌ی او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر این که مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

۹ ماده‌ی ۱۰۹۱ قانون مدنی: برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امائل و اقربان و هم‌چنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

این صورت، ناشزه محسوب می‌شود و مرد می‌تواند علاوه بر ازدواج دوباره، از پرداخت نفقه به زن اول خودداری کند (ماده‌های ۱۶۱۰ و ۱۷۱۱ قانون حمایت خانواده و ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی^{۱۲}).

نکیسا آذری: اگر مرد با استناد به وظیفه‌ی زناشویی زن، او را با اجبار فیزیکی، وادار به رابطه‌ی جنسی کند یعنی او را مورد تجاوز قرار دهد، آیا از نظر قانونی جرمی مرتکب شده است؟ آیا زن می‌تواند در این شرایط، ادعا کند که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است و از مرد شکایت کند؟

سروناز دارابی: متأسفانه در تجاوزهای جنسی خانگی، اگر ضرب و جرح خارج از محدوده‌ی ابزار جنسی زن صورت نگیرد، امکان اثبات وقوع جرم ضرب و جرح تقریباً ناممکن است زیرا به‌طور قانونی، ابزار جنسی زن می‌تواند مورد استفاده‌ی مرد قرار بگیرد و حتی در صورت ضرب و جرح هم از نظر قانون چیزی به اسم تجاوز رخ نداده است.

نکیسا آذری: آیا زن هم به‌طور قانونی می‌تواند درخواست رابطه‌ی جنسی داشته باشد؟

سروناز دارابی: مرد به‌صرف توانایی دخول در فاصله‌های زمانی شش‌ماهه دارای سلامت جنسی محسوب می‌شود و در صورت سر باز زدن از رابطه‌ی جنسی، زن صرفاً

۱۰ ماده‌ی ۱۶ قانون حمایت از خانواده: مرد نمی‌تواند با داشتن زن همسر دوم اختیار کند مگر در این موارد: ۱ - رضایت همسر اول. ۲ - عدم قدرت همسر اول به ایفای وظایف زناشویی. ۳ - عدم تمکین زن از شوهر. ۴ - ابتلاء زن به جنون یا امراض صعب‌العلاج موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۸ - محکومیت زن وفق بند ۸ ماده ۸ - ابتلاء زن به هر گونه اعتیاد مضر برابر بند ۹ ماده ۸ - ترک زندگی خانوادگی از طرف زن. ۸ - عقیم بودن زن. ۹ - غایب مفقودالاثر شدن زن برابر بند ۱۴ ماده ۸.

۱۱ ماده‌ی ۱۷ قانون حمایت از خانواده: متقاضی باید تقاضانامه‌ای در دو نسخه به دادگاه تسلیم و علل و دلایل تقاضای خود را در آن قید نماید. یک نسخه از تقاضانامه ضمن تعیین وقت رسیدگی به همسر او ابلاغ خواهد شد. دادگاه با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی و احراز توانایی مالی مرد و اجرای عدالت در مورد بند یک ماده ۱۶ اجازه اختیار همسر جدید خواهد داد. به هر حال در تمام موارد مذکور این حق برای همسر اول باقی است که اگر به خواهد گواهی عدم امکان سازش از دادگاه به نماید. هرگاه مردی با داشتن همسر بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید به حبس جنجه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد همین مجازات مقرر است برای عاقد و سردفتر ازدواج و زن جدید که عالم به ازدواج سابق مرد باشند. در صورت گذشت همسر اولی تعقیب کیفری یا اجرای مجازات فقط درباره مرد و زن جدید موقوف خواهد شد.

۱۲ ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی: هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

با مطرح کردن مبحث عسروخرج آن هم در دادگاه‌هایی که رویه‌شان بخشش کلیه‌ی حقوق مادی زن است، می‌تواند طلاق بگیرد.

مشکل جنسی مرد اگر موجب از کارافتادگی کامل جنسی نشود، حقی برای زن به وجود نمی‌آورد. در قانون از سه مورد نام برده شده است که زن در آن موردها می‌تواند از حق فسخ قرارداد ازدواج استفاده کند؛ عنن، خصاء و جب یعنی اختگی، ناتوانی در راست کردن (نعوظ) و قطع آلت رجلیت (کیر) که جلوی انجام وظیفه‌ی زناشویی یعنی فرزندآوری را می‌گیرند (ماده‌ی ۱۱۲۲ قانون مدنی^{۱۳}). در این ماده پرواضح است که لذت جنسی و برطرف شدن نیازهای جنسی زن به هیچ‌وجه مورد توجه قانون‌گذار نبوده است.

دیه‌ی تخم چپ مرد برابر با قیمت ۶۶ شتر و دیه‌ی تخم راستش برابر با ۳۴ شتر است یعنی قانون به قدری برای لذت جنسی مرد احترام قایل شده است که دیه‌ی دو تخمش برابر با دیه‌ی کامل یک مرد و دو برابر دیه‌ی یک زن است.

از آن طرف، مثلن دیه‌ی تخم چپ مرد برابر با قیمت ۶۶ شتر و دیه‌ی تخم راستش برابر با ۳۴ شتر است یعنی قانون به قدری برای لذت جنسی مرد احترام قایل شده است که دیه‌ی دو تخمش برابر با دیه‌ی کامل یک مرد و دو برابر دیه‌ی یک زن است^{۱۴}. تنها اهرمی که زنان برای دفاع از چنین حقوقی دارند، خروج از ازدواج یعنی طلاق است که آن هم در دستان مرد است یعنی اگر مرد نخواهد می‌تواند زن را طلاق ندهد.

پس همان‌طور که می‌بینید زن تا جایی تصمیم‌گیرنده است که تا گرفتن کامل

۱۳ ماده‌ی ۱۱۲۲ قانون مدنی: عیوب ذیل در مرد که مانع از ایفاء وظیفه‌ی زناشویی باشد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود (اصلاحی ۶۱/۱۰/۸) ۱ - عنن به شرط این که بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود. ۲ - خصاء ۳ - مقطوع بودن آلت تناسلی.

۱۴ ماده‌ی ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی: قطع دو بیضه یک‌باره دیه‌ی کامل و قطع بیضه‌ی چپ، دو ثلث دیه و قطع بیضه‌ی راست، ثلث دیه دارد.

قانون‌ها عوض نخواهند شد مگر آن‌که از حمایت و برطرف کردن نیازهای صرفن یک گروه از افراد در جامعه بپرهیزیم، به نیاز همگان فکر کنیم و زن را خارج از الگوهای جنسی و ابزار فرزندآوری ببینیم و همین‌طور نگاه برابر به انسان‌ها جدای از جنسیتشان داشته باشیم. تا زمانی که نگاه به زن نگاه کالایی باشد، حق لذت زن و زندگی جنسی خوشایند او به رسمیت شناخته نمی‌شود و تا این حق به رسمیت شناخته نشود، تغییر قانون‌ها اتفاق نمی‌افتد.

مهریه، از حق حبس استفاده کرده باشد و بعد از اولین سکس که حق حبس را از بین می‌برد، اختیار رابطه‌ی جنسی در دست شوهر قرار می‌گیرد. این نگاه که دقیقن در تایید فرهنگ مردسالار و سنت است، به این مهم اشاره دارد که زن به‌خودی‌خود حقی بر لذت‌های جنسی خود ندارد و اگر نیم‌نگاهی به مساله‌های جنسی داشته باشد باید با حداقل خواسته و به قصد فرزندآوری باشد.

نکیسا آذری: با نگاه به شرایط موجود، کاری که خود زنان برای رسیدن به این خواسته می‌توانند انجام بدهند چیست؟

سروناز دارابی: در این مسیر باید با تمامی تابوها و باورهایی که با آنها پرورش یافته‌ایم مبارزه کنیم و در آغاز، به این باور برسیم که رسیدن به ارگاسم و

تجربه‌ی یک لذت جنسی، حق مسلم ما به‌عنوان انسان است چراکه حق هر انسانی است. باید برای تغییر قانون‌های ناعادلانه بکوشیم اما هم‌زمان باید از قابلیت‌های فعلی قانون‌ها، کمال استفاده را بکنیم. یعنی با گذاشتن شرط‌های ضمن عقد قانونی و صحیح و اخذ وکالت در طلاق از همسر، در وضعیت برابر با او قرار بگیریم.

نکیسا آذری: و سوال آخر این که چگونه این شرایط را می‌نوائیم تغییر بدهیم؟

سروناز دارابی: قانون‌ها عوض نخواهند شد مگر آن که از حمایت و برطرف‌کردن نیازهای صرفن یک گروه از افراد در جامعه بپرهیزیم، به نیاز همگان فکر کنیم و زن را خارج از الگوهای جنسی و ابزار فرزندآوری ببینیم و همین‌طور نگاه برابر به انسان‌ها جدای از جنسیتشان داشته باشیم. تا زمانی که نگاه به زن نگاه کالایی باشد، حق لذت زن و زندگی جنسی خوشایند او به رسمیت شناخته نمی‌شود و تا این حق به رسمیت شناخته نشود، تغییر قانون‌ها اتفاق نمی‌افتد.

تمامی کتابچه‌های پرونده‌ی «لذت جنسی زنان» را در این لینک ببینید:
<https://joopea.news/?p=39143>



لذت جنسی زنان چیست؟ برای لذت بردن و لذت بخشیدن در رابطه‌ای که یک طرفش خودش را زن می‌داند چه باید کرد و چه کارهایی را بهتر است انجام ندهیم؟ وقت پریود یعنی که سکس تعطیل؟ لذت جنسی زنان تراجنسی و بیناجنسی چگونه است؟ آن‌هایی که خود را کویر می‌دانند چطور؟

پرسش‌ها زیاد هستند و نقطه‌های مبهم هم کم نیستند. دلیلش هم این است که ما آدم‌ها پیچیده و مبهم هستیم و از سویی هم سکس و هرچه به سکس ربط پیدا کند، حرف مگو به حساب می‌آید.

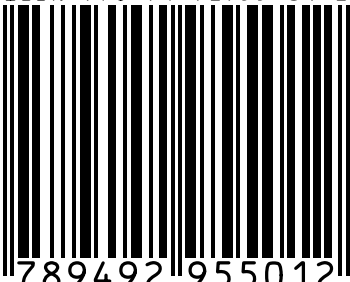
برای همین، ژوپی‌آ دست‌به‌کار تهیه‌ی پرونده‌ای با نام «لذت جنسی زنان» شده است تا چندتایی از این سوال‌ها را جواب بدهد. برای پاسخ به سوال‌هایی که در کتابچه‌های این پرونده مطرح کرده‌ایم، به سراغ اهل کار رفتیم و خواستیم تا ما را نسبت به این مقوله روشن کنند.

این مجموعه شامل مقاله‌ها، مصاحبه‌ها و ترجمه است که در هفت کتابچه‌ی مجزا بر روی وبسایت کارگاه خبر، در این‌جا در دسترس همگان هستند.

اگر نقد، پیشنهاد و یا سوالی دارید، می‌توانید از طریق آدرس زیر با ما تماس بگیرید: fsp.project@joopea.com



ISBN 978-94-92955-01-2



9 789492 955012